

تعمیم رؤیت هلال از نگاه شماری از فقیهان شیعه و اهل سنت*

عبدالکریم عبداللّهی
دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی

چکیده

احراز خلول ماه قمری برای به جای آوردن تکالیف فردی و اجتماعی لازم است. از این رو، بحث و بررسی در این زمینه اهمیت زیادی دارد. در نوشتار حاضر، دیدگاه فقیهانی که بر خلاف نظر مشهور قائل به تعمیم ثبوت رؤیت هلال ماهند مورد توجه قرار گرفته است. برای نیل به این مقصود، هم آراء فقیهان و محدثان متقدم و هم نظرات فقهای معاصر و دیدگاه فقهای مذاهب چهارگانه بیان گردید و در نهایت، شواهد و مؤیداتی بر صحت قول به تعمیم رؤیت هلال ماه آورده شده است.

کلیدواژه‌ها: رؤیت هلال، تعمیم، اشتراک در شب.

* -تاریخ وصول: ۱۳۸۴/۶/۷؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۴/۱۱/۱۵.

مقدمه

یکی از امور مهم در جامعه اسلامی احراز حُلُول ماه قمری است، زیرا انجام پاره‌ای از احکام و تکالیف فردی و اجتماعی مانند روزه گرفتن، شب قدر، روزه گشودن، عید فطر، حج گزاردن، وُتُوف در عرفات و مَشعر، عید قربان و بیتوته در منی' و ... منوط به احراز آغاز و پایان ماه قمری است. از طرفی اختلاف و تفرقه مسلمانان در انجام اعمال و وظایف دینی و برگزاری برخی از مراسم بسیار مهم اسلامی مانند مراسم عید فطر و عید قربان، موجب بروز مشکلاتی در امت اسلامی می شود. از این رو مناسب است بر خلاف نظر مشهور فقیهان که ثبوت رؤیت هلال را منحصر به ناحیه رؤیت هلال و نواحی نزدیک و هم افق آن می‌دانند، دیدگاه‌شماری از فقیهان، مبنی بر تعمیم ثبوت رؤیت هلال از منطقه ای به دیگر مناطقی که در ساعاتی از شب - هر چند اندک - با محل رؤیت هلال، مشترک باشند، خواه هم افق باشند یا مختلف الأفق، مورد توجه لازم قرار گیرد.

تعمیم رؤیت هلال از نگاه فقهای متقدم علامه حلی

تخصیص رؤیت و ملاحظاتی درباره آن

علامه حلی در *تذکره الفقهاء* (ج ۶، ص ۱۲۲؛ همچنین بنگرید به ابن قدامه، ج ۳، ص ۱۰۷) می‌گوید:

هر گاه مردم شهری، هلال ماه را ببینند و مردم شهر دیگر آن را نبینند، اگر این دو شهر مانند بغداد و کوفه، نزدیک هم باشند، حکم اینها یکی است، یعنی بر مردم هر دو شهر، روزه گرفتن و همچنین افطار کردن، واجب است؛ و اگر این دو شهر از هم دور باشند مانند بغداد و خراسان، حجاز و عراق، هر شهری حکم خاص خود را دارد. این قول شیخ طوسی (*المبسوط*، ج ۱، ص ۲۶۸) و مورد اعتماد است. قول برخی

از شافعیان و عقیده قاسم، سالم و اسحاق، (نَوَوِی، ج ۶، ص ۲۷۳) نیز همین است. علامه برای این سخن خویش که تخصیص ثبوت هلال به محل رؤیت است دو دلیل آورده است:

اولاً «کَرِیب» روایت کرده است که أمّ الفضل دختر حارث او را به شام نزد معاویه فرستاد. کَرِیب می گوید: وارد شام شدم، کار را انجام دادم، در شام بودم که ماه رمضان فرا رسید، هلال ماه رمضان را در شب جمعه دیدم، آنگاه در اواخر ماه رمضان به مدینه آمدم، عبدالله بن عباس درباره هلال ماه رمضان از من پرسید: چه زمانی هلال ماه رمضان را دیدید؟ گفتم شب جمعه. گفت: خودت ماه را دیدی؟ گفتم: آری، مردم ماه را دیدند و روزه گرفتند و معاویه روزه گرفت. ابن عباس گفت: ولی ما هلال ماه رمضان را در شب شنبه دیدیم، بنابر این همچنان روزه می گیریم تا سی روز را کامل کنیم یا هلال ماه شوال را ببینیم. گفتم: آیا به دیدن هلال ماه توسط معاویه و روزه او اکتفا نمی کنی؟ گفت: نه، رسول خدا (ص) به ما چنین دستور داده است (صَحِیح مُسَلِم بَشْرَحِ النَّوَوِی، ج ۷، ص ۱۹۷).

ثانیاً به خاطر کروی بودن زمین که با اختلاف زمان طلوعهای ماه در مناطق مختلف، رؤیت هلال ماه نیز در شهرهای دور از هم، مختلف می شود. بنابر این ممکن است هلال ماه در شهری دیده شود و در شهر دیگر ظاهر نشود... برخی از شافعیان گفته اند: حکم همه شهرها یکی است یعنی هرگاه در شهری هلال ماه دیده شد و حکم شد که اول ماه است، این حکم در همه نواحی کره زمین جاری است، خواه شهرها نزدیک هم باشند یا دور از هم، افقهای مختلف داشته باشند یا نه. احمد بن حنبل و کثیر بن سعد و برخی از علمای ما نیز همین را قائلند. زیرا در برخی از شهرها به خاطر رؤیت هلال و در سایر شهرها به خاطر شهادت (= بیته)، یک روز از ماه رمضان است پس روزه آن واجب است. [دلایل این قول هم به قرار ذیل است:]

اولاً به موجب آیه شریفه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ». (بقره / ۱۸۵)؛ ثانیاً به استناد

قول پیامبر (ص): «فَرَضَ اللَّهُ صَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ» (صحيح البخاری، ج ۲، ص ۲۲۵)، و از طرفی هم ثابت شده که این روز از ماه رمضان است. ثالثاً برای این که زمان پرداخت وام فرا می‌رسد و انجام نذر منوط به این زمان واقع می‌شود؛ رابعاً به موجب کلام امام صادق (ع) که فرمود: «إِنْ شَهِدَ أَهْلُ بَلَدٍ آخَرَ فَاقْضِهِ» (شیخ طوسی، التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۷؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۶۴، خُر عاملی، ج ۷، ص ۱۸۳)، همچنین در مورد شخصی که ۲۹ روز روزه گرفته بود فرمود: «إِنْ كَانَتْ لَهُ بَيِّنَةٌ عَادِلَةٌ عَلَى أَهْلِ مِصْرَ أَنَّهُمْ صَامُوا ثَلَاثِينَ عَلَى رُؤْيَا، فَضَى يَوْمًا» (شیخ طوسی، التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۸؛ خُر عاملی، ج ۷، ص ۱۹۲).

همان گونه که ملاحظه می‌شود، دو دلیل برای قول مشهور مبنی بر تخصیص و انحصار ثبوت هلال به محل رؤیت و نواحی نزدیک به آن اقامه شده که قابل‌خداشه و نقد است.

۱- روایت کُریب

بنا بر ملاحظات ذیل می‌توان روایت کُریب را مورد نقد قرار داد:

اولاً، این روایت در مصادر روایی شیعه نیامده است. و در منابع روایی اهل سنت، نیز در صحيح بخاری و سنن ابن ماجه نیست. ثانیاً، جهت بی‌توجهی ابن عباس به شهادت کُریب دایر بر رؤیت هلال در شام، ممکن است به خاطر این باشد که ثبوت رؤیت هلال در شهری وقتی قابل‌تعمیم به شهرهای دیگر است که از طریق شرعی یعنی بیینه و دو شاهد، ثابت شود، در حالی که کُریب، در شهادت بر ثبوت رؤیت هلال در شهر شام، تنها بود (همچنین قس ابن قدامه، ج ۳، ص ۱۰۷؛ علامه حلی، المنتهی، ج ۹، ص ۲۵۳).

ثالثاً، همان گونه که در المنتهی (همان جا) آمده ممکن است بی‌اعتنایی ابن عباس به شهادت کُریب، به خاطر استناد ثبوت رؤیت هلال در شام به موجب عمل و حکم معاویه باشد و عمل معاویه به سبب انحراف از خلیفه اسلامی علی (ع) و جنگ با آن

حضرت، حجت نیست تا ابن عباس و مردم مدینه به آن اعتنا کنند. رابعاً، همان گونه که ابن قدامه نوشته (همان جا) مفاد خبر کُرَیب، این است که مردم مدینه به گفته او که تنها بود افطار نکردند. اما مورد بحث و اختلاف، بنا بر قول به تعمیم رؤیت هلال، وجوب قضای روزه آن روزی است که نگرفته‌اند که در خبر کُرَیب نیامده است که قضای آن روز واجب نیست.

۲ - قیاس حلول ماه به طلوع آفتاب

دومین دلیل مشهور بر عدم تعمیم رؤیت هلال، قیاس حلول ماه به طلوع آفتاب است در حالی که این قیاس مع الفارق و باطل است که در بیان برخی از فقیهان به آن اشاره خواهد شد.

تعمیم رؤیت هلال از نگاه علامه در المُنْتَهَى

علامه حلی در المُنْتَهَى (ج ۹، ص ۲۵۲): می‌نویسد: «هرگاه مردم شهری هلال ماه را ببینند، روزه بر همه مردم واجب می‌شود، خواه شهرهایشان دور (از آن شهر محل رؤیت هلال) باشد یا نزدیک.

احمد بن حنبل و لیث بن سعد، و برخی از فقهای شافعی نیز همین را قائلند. شیخ طوسی (ره) گفته است: اگر شهرها نزدیک به هم و هم‌افق باشند، مانند بغداد و بصره، حکمشان یکی است و اگر هم‌افق نباشند مانند بغداد و مصر، هر شهری حکم خاص خود را دارد. (المبسوط، ج ۱، ص ۲۶۸) و این قول دیگر شافعیان است. سپس علامه، میزان و معیار دوری شهرها را از نظر برخی از شافعیان (ابن قدامه، ج ۳، ص ۱۰۷)، یادآور می‌شود که همان مسافت قصر یعنی ۴۸ میل (نَوَوِی، ج ۶، ص ۲۷۳) است و می‌نویسد: «از عکرمه روایت شده که برای اهالی هر شهری رؤیت هلال توسط خودشان معیار است، و عقیده قاسم، سالم و اسحاق، همین است.»

در قول به تعمیم رؤیت هلال ماه باید گفت که چون در برخی از شهرها به خاطر رؤیت هلال و در سایر شهرها به خاطر شهادت (بینه)، یک روز از ماه رمضان است، پس روزه آن واجب می‌باشد زیرا علاوه بر آیه ۱۸۵ سوره بقره و آنچه در *تذکره الفقهاء* آمده است به دو دلیل ذیل هم می‌توان استناد کرد:

اولاً، بینه عادل به رؤیت هلال ماه رمضان شهادت داده است، پس روزه واجب می‌شود، همان‌گونه که اگر شهرها نزدیک هم و متحد الأفق بودند روزه واجب می‌شد. ثانیاً، برای این که شخص مقبول‌القول به رؤیت هلال ماه رمضان شهادت داده بنابراین اگر روزه آن روز فوت شود، قضای روزه آن روز، واجب است. در این باره روایاتی وارد شده است که به ذکر آنها می‌پردازیم:

الف - صحیحہ حلبی که از امام صادق (ع) می‌پرسد: اگر ماه رمضان، بیست و نه روز بود، آن یک روز را قضا کنم؟

امام (ع) فرمود: « نه مگر این که بینه های عادل برای تو شهادت دهند، پس اگر بینه های عادل شهادت دادند که آنان، هلال ماه رمضان را پیش از آن دیده‌اند، باید آن روز را قضا کنی» (شیخ طوسی، *التهدیب*، ج ۴، ص ۱۵۶؛ حر عاملی، ج ۷، ص ۱۹۱).

ب - صحیحہ منصور بن حازم که از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: « با رؤیت هلال، روزه بگیر و با رؤیت آن افطار کن، اگر دو شاهد مورد رضایت (= عادل)، شهادت دهند که هلال را (یک شب زودتر) دیده‌اند، آن یک روز راقضا کن» (شیخ طوسی، *التهدیب*، ج ۴، ص ۱۵۷؛ حر عاملی، ج ۷، ص ۱۸۳).

ج - صحیحہ ابی بصیر که از امام صادق (ع) درباره روزی از ماه رمضان که قضا دارد سؤال شد؛ امام (ع) فرمود:

« قضا مکن مگر این که دو شاهد عادل از همه نمازگزاران با شهادت خود ثابت کنند که اول ماه کی بوده است». و فرمود: « آن روزی (از اول ماه) که قضا می‌شود

روزه‌مگیر مگر این که مردم شهرها قضا کنند، پس اگر چنین کردند، روزه بگیر» (شیخ طوسی، همان جا؛ حر عاملی، ج ۷، ص ۲۱۱).

علامه حلی (ره) پس از نقل روایت یادشده می‌گوید: «عَلَّقَ - (ع) - وَجُوبَ الْقَضَاءِ بِشَهَادَةِ الْعَدْلَيْنِ مِنْ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ، وَهُوَ نَصٌّ فِي التَّعْمِيمِ، قَرَباً وَبُعْداً، ثُمَّ عَقَّبَهُ بِمَسَاوَاتِهِ لِغَيْرِهِ مِنَ الْأَمْصَارِهِ وَلَمْ يَعْتَبِرْ - (ع) - الْقَرَبَ فِي ذَلِكَ» (مَنْتَهَى الْمَطْلَبِ، ج ۹، ص ۲۵۴).

د - صحیحہ عبدالرحمن بن ابی عبدالله که گوید: از امام صادق (ع) درباره هلال ماه رمضان پرسیدم که در روز بیست و نهم شعبان بر ما پوشیده می‌ماند.

فرمود: «روزه مگیر مگر این که هلال ماه رمضان را ببینی، پس اگر مردم شهر دیگری (به رؤیت هلال) شهادت دهند، آن روز را قضا کن» (شیخ طوسی، همان جا).

علامه حلی در ذیل روایت مزبور می‌نویسد: «وَلَمْ يَعْتَبِرْ - (ع) - الْقَرَبَ أَيْضاً»؛ ه - صحیحہ هشام بن حکم که از امام صادق (ع) درباره کسی که بیست و نه روز روزه گرفته بود نقل می‌کند که فرمود:

«اگر دارای بینه عادل باشد که مردم شهری (اهل مصر) با رؤیت هلال، سی روز روزه گرفته‌اند، باید آن روز را قضا کند» (شیخ طوسی، همان، ج ۴، ص ۱۵۸؛ حر عاملی، ج ۷، ص ۱۹۲).

علامه حلی (ره) در ذیل روایت یادشده می‌گوید: امام (ع) حکم وجوب قضای روزه را منوط به شهادت بینه عادل نمود، و این حکم با توجه به کلمه «مصر» که نکره است، به گونه‌ای شایع و عام است و همه شهرها را به صورت علی‌البدل، شامل می‌شود و صلاحیت تخصیص به برخی از شهرها را ندارد، مگر این که دلیلی بر تخصیص باشد. احادیث فراوانی در مورد وجوب قضای روزه، در صورتی که بینه به رؤیت هلال ماه رمضان، شهادت دهد و نزدیکی و دوری شهرها را اعتبار نکرده‌اند وجود دارد. بنابراین در صورتی که بینه معتبری اقامه شود که در شهری، یک روز زودتر،

هلال ماه رمضان رؤیت شد، بر اهالی شهرهای دیگر که آن روز را روزه نگرفته‌اند واجب است قضای آن را انجام دهند.

علامه حلی سرانجام، در این باره می‌نویسد: «اگر به طلوع ماه در برخی از نواحی و عدم طلوع آن در برخی نواحی دور به خاطر کروی بودن زمین، علم حاصل شود، حکم این دو ناحیه یکسان نیست، اما بدون چنین علمی، حکم به تساوی همه نواحی و مناطق، حق است.»

فتوای علامه به تعمیم رؤیت هلال در تحریر الاحکام

در **تحریر الاحکام** (ج ۱، ص ۸۲)، آمده است:

«هرگاه مردم شهری هلال ماه رمضان را ببینند، بر همه مردم سایر شهرها، روزه واجب می‌شود، خواه شهرها دور از یکدیگر باشند یا نزدیک به هم. ولی شیخ طوسی (ره) شهرهای نزدیک به هم را که مختلف الأفق نباشند مانند بغداد و بصره، مانند شهر واحد قرار داده، و درباره شهرهای دور از هم مانند بغداد و مصر (می‌گوید): برای، هر شهری حکم خاص خودش است، و در این دیدگاه قوتی است.»

پوشیده نیست که هر چند همان گونه که ملاحظه می‌شود، نظریه شیخ طوسی (ره) را قوی می‌داند ولی فتوای خود علامه، حکم به تعمیم رؤیت هلال است.

شهید اول و احتمال تعمیم رؤیت هلال به شهرهای غربی

شهید اول پس از بیان نظر شیخ طوسی (ره) مبنی بر این که شهرهای نزدیک به هم و متحد الأفق مانند بصره و بغداد، دارای حکم یکسانند و شهرهای دور از هم و مختلف الأفق مانند بغداد و مصر، هر کدام دارای حکم خاص خود می‌باشند، نوشته است: «ویحتمل ثبوت الهلال فی البلاد المغربیة برؤیته فی البلاد المشرقیة وإن تباعدت، للقطع بالرؤیة عند عدم المانع». (ج ۲۹، ص ۱۵۸).

«محمتمل است که با رؤیت هلال ماه در شهرهای شرقی، هلال ماه در شهرهای غربی ثابت شود، اگر چه این شهرها از یکدیگر دور و مختلف الأفق باشند،

زیرا در صورت عدم مانع، قطع به رؤیت هلال ماه در شهرهای غربی حاصل می‌شود.

فیض کاشانی و تعمیم رؤیت هلال

فیض کاشانی پس از نقل روایاتی مبنی بر این که اگر مردم شهری بر رؤیت هلال ماه رمضان، شهادت دهند، مردم شهر دیگر که هلال را ندیده‌اند باید به استناد شهادت شهود، روزه آن روز را قضا کنند در ذیل صحیحہ عبدالرحمن بن ابی عبدالله بصری، نوشته است:

امام صادق (ع) به او فرمود: «فإن شهد أهل بلد آخر فاقضه»: چنانچه اهالی شهر دیگر (بر رؤیت هلال ماه رمضان) شهادت دادند آن روز را (که روزه نگرفته‌ای) قضا کن؛ زیرا همان گونه که گذشت، هرگاه یک تن، ماه را در آن شهر ببیند هزار تن آن را دیده‌اند. ظاهر روایت این است که فرقی میان شهرهای نزدیک به شهر محل رؤیت و شهرهای دور نیست، چون اولاً بنای تکلیف (و حکم روزه) بر رؤیت هلال است؛ ثانیاً ضابطه و معیار مشخصی برای عموم مردم در تشخیص نزدیکی و دوری شهرها وجود ندارد؛ ثالثاً لفظ «رؤیت» در روایات، اطلاق و عموم دارد.

بنابراین آنچه در میان فقیهان متأخر ما شهرت یافته که میان شهرهای دور و نزدیک فرق است و سپس اختلاف آنان در تفسیر نزدیک و دور، اجتهادی است که وجه و دلیلی ندارد. (فیض کاشانی، ج ۱۱، ص ۱۲۰)

صاحب حدائق و تعمیم رؤیت هلال

صاحب حدائق پس از نقل قول مشهور مبنی بر این که شهرهای نزدیک به هم مانند بغداد و کوفه، در رؤیت هلال، دارای حکم یکسان می‌باشند، پس اگر در یکی از این دو شهر، هلال ماه رمضان رؤیت شد، بر تمامی ساکنان آن دو شهر روزه واجب است ولی اگر این شهرها از هم دور باشند مانند بغداد و خراسان، عراق و حجاز، هر شهری حکم خاص خود را دارد می‌نویسد (ج ۱۳، ص ۲۶۴):

«علامه در کتاب تذکره از برخی از علمای ما قولی را نقل کرده که حکم همه

شهرها در رؤیت هلال یکسان است. بنابراین هرگاه در شهری هلال، رؤیت شود و حکم شود که اول ماه است، این حکم در تمامی نواحی زمین جاری خواهد بود، خواه شهرها نزدیک به هم باشند یا دور از هم، مختلف الأفق باشند یا متحد الأفق. در کتاب **مُنْتَهَى** (نیز) گرایش به همین قول دارد که گفته است: هرگاه مردم شهری هلال را رؤیت کنند بر همه مردم، روزه واجب است خواه شهرها دور از یکدیگر باشند یا نزدیک به هم باشند.

آنگاه پس از نقل ادامه عبارات مفصل از کتاب **مُنْتَهَى**، چنین اظهار نظر می‌کند: «اقول: و ما ذكره - قدس سره - هو الحقّ المعتضد بالخبار الصّريحة الصّحيحة الّتی نقل بعضها» (ج ۱۳، ص ۲۶۶).

محقق نراقی و لزوم قول به تعمیم رؤیت هلال

محقق نراقی در مقام بیان لزوم قول به تعمیم رؤیت هلال از محلّ رؤیت به دیگر نواحی دور و نزدیک، خواه متحد الأفق باشند یا مختلف الأفق، می‌گوید: «نظریه حق که در نزد شخص خبیر، چاره‌ای جز قبول آن نیست به طور مطلق کفایت رؤیت هلال در یکی از دو شهر برای شهر دیگری است خواه این دو شهر، نزدیک هم یا بسیار دور از یکدیگر باشند، زیرا اختلاف حکم این دو شهر، منوط به علم به دو امر است که قطعاً علم به این دو حاصل نمی‌شود:

۱ - علم به این که مبنای روزه گرفتن و روزه گشودن، وجود رؤیت هلال در شهر، مخصوص همان شهر محل رؤیت است و برای شهر دیگر کافی نیست، و این که حکم شارع به قضای روزه پس از ثبوت رؤیت در شهر دیگر دلیل بر وجود آن در این شهر نیز می‌باشد، در حالی که راهی برای اثبات این نیست، (زیرا جا دارد گفته شود: چرا وجود رؤیت هلال در شهری برای سایر شهرها نیز به طور مطلق (خواه متحد الأفق باشند یا مختلف الأفق) کافی نباشد؟!)

۲ - علم به این که دو شهر یادشده قطعاً در رؤیت هلال، اختلاف دارند، یعنی

هلال در یکی از این دو شهر وجود دارد و در دیگری وجود ندارد، و این نیز معلوم نیست، زیرا از اختلاف طول و عرض جغرافیایی جز امکان رؤیت و وجود هلال در یکی از این دو شهر دون دیگری حاصل نمی‌شود و اما این که قطعاً هلال ماه در یکی از این دو شهر وجود دارد و در دیگری وجود ندارد، چنین نیست، زیرا شاید ماه، پیش از مغرب این دو شهر از مُحاق و تحت الشعاع آفتاب خارج شده، اگر چه ماه در یکی از این دو شهر از شعاع آفتاب، دورتر از دیگری باشد.

... و هیچ راهی برای شناخت امور یادشده نیست جز نظر یک یا چند منجم که بازگشت به قول یک یا چند رصد کننده دارد که غالباً خطای همه ممکن است آنگاه می‌نویسد: «و بدون حصول العلم بهذین الأمرین، لا وجه لرفع الیدعن إطلاق الأخبار أو عمومها» (نراقی، ج ۱۰، ص ۴۲۵).

محقق نراقی در رد انصراف اطلاق روایات به شهرهای نزدیک و متحد الأفق، به صورت اشکال و پاسخ می‌نویسد (ج ۱۰، ص ۴۲۵):

« اگر گفته شود: اطلاق روایات، تنها منصرف به افراد شایع است (و فقط شهرهای نزدیک به هم و متحد الأفق را شامل می‌شود) و ثبوت هلال یکی از دو شهر برای شهر دیگر که بسیار دور از هم باشند جداً نادر است، در پاسخ می‌گوییم: وجه و دلیلی برای ندرت آن نمی‌شناسم، ندرت تنها در صورتی است که امر ثبوت هلال (در یک شهر برای شهر دور دست دیگر) منحصر در یک ماه باشد، لیکن پس از دو ماه یا بیشتر (امر ثبوت هلال) مفید می‌باشد، امر ثبوت رؤیت هلال در مصر برای بغداد، یا ثبوت هلال در بغداد برای توس، یا شام برای اصفهان و مانند این، پس از دو ماه یا بیشتر، به خاطر آمد و شد بسیار کاروانهای بزرگ در این شهرها نادر نیست.»

صاحب جواهر و تمایل به تعمیم رؤیت هلال

صاحب جواهر، پس از نقل عبارت پایانی از کتاب *المُنْتَهَى* می‌گوید (جواهر *الکلام*، ج ۱۶، ص ۳۶۱): «صاحب مدارک نیز، سخن علامه را پسندیده است. ممکن

است چنین نباشد (و تمامی نواحی دارای حکم یکسان باشند)، زیرا بدیهی است که معمولاً چنین علمی حاصل نمی‌شود (که علم به حلول ماه رمضان در برخی از نواحی و عدم طلوع آن در برخی دیگر حاصل شود). از این رو حکم به وجوب روزه بر همگان به طور مطلق (حتی در نواحی که هلال رمضان رؤیت نشده باشد، قول) قوی است. در صورت تعمیم رؤیت هلال به همه نواحی، اشکالی که شهید در *دُرُوس* ج ۲۹، ص ۱۵۸، و نیز بنگرید: *تذکرة الفقهاء*، ج ۶، ص ۱۲۵) با بیان فرعی یادآور شده که مستلزم روزه ۳۱ روزه و افطار ۲۸ روزه است، از اساس، ساقط می‌شود.

تعمیم رؤیت هلال در نگاه شماری از فقهای معاصر

۱ - آیه الله حکیم و تمایل به تعمیم رؤیت هلال

«درباره کفایت و تعمیم رؤیت هلال در هر شهری به دیگر شهرها، در *مستمک العروة* (ج ۸، ص ۴۷۰) آمده است: به خاطر این که جای تأمل نیست در این که اختلاف شهرها در طول و عرض جغرافیایی موجب اختلاف این شهرها در طلوع و غروب، و رؤیت هلال و عدم آن می‌شود، پس با علم به تساوی دو شهر در طول جغرافیایی، در حجیت بی‌تفاوتی بر رؤیت هلال در یکی از دو شهر برای اثبات آن در شهر دیگر، هیچ اشکالی نیست. همچنین اگر هلال، در شهرهای شرقی رؤیت شود، پس رؤیت آن در شهرهای غربی به طریق اولی ثابت می‌شود. اما اگر هلال، در شهرهای غربی، رؤیت شود، برای اثبات حلول ماه در شهرهای شرقی با تمسک به اطلاق روایت (مانند صحیح هاشم بن حکم)، بعید نیست، مگر این که علم به عدم رؤیت هلال، حاصل شود، چون در صورت حصول علم، مجالی برای حکم ظاهری نیست.»

آنگاه در رد انصراف اطلاق به شهرهای نزدیک به محل رؤیت، آمده است:

«ادعای انصراف (اطلاق این گونه روایات) به شهرهای نزدیک به هم و متحدالأفق، با ظاهر این روایات، ناسازگار است.»

آری محتمل است که این روایات، اطلاقی که شامل شهرهای مختلف الأفق شود نداشته باشد، زیرا ورود این روایات به لحاظ تعمیم حکم، نسبت به داخل و خارج شهر متحد الأفق است نه به لحاظ تعمیم حکم، نسبت به شهرهای مختلف الأفق و متحد الأفق». در پایان این دو نظریه آمده است: «لکنّ الاوّل اقوی».

۲ - آیه الله خویی و قول به تعمیم رؤیت هلال

آیه الله خویی، قائل به تعمیم رؤیت هلال از محلّ رؤیت به دیگر مناطق مختلف است، در *منهاج الصالحین* (ج ۱، ص ۲۷۳) و *مُسْتَنْد العُروه* (ج ۲، ص ۱۱۶) آمده است:

« هر گاه هلال ماه در شهری دیده شود، برای ثبوت آن در شهر دیگری که با شهر محلّ رؤیت هلال، مشترک الأفق باشند به گونه‌ای که هرگاه هلال در شهر محلّ رؤیت، دیده شود در آن شهر دیگر نیز دیده می‌شود کفایت می‌کند، بلکه ظاهراً رؤیت هلال در شهری برای ثبوت آن در دیگر شهرها به طور مطلق (خواه مشترک الأفق باشند یا مختلف الأفق) کافی است».

توضیح این که: شهرهای روی کره زمین (به اعتبار اشتراک و اختلاف در افق) به دو بخش، تقسیم می‌شوند: ۱ - شهرهایی که مشرق و مغرب آنها یکی باشد یا نزدیک به هم باشد؛ ۲ - شهرهایی که مشرق و مغرب آنها اختلاف بسیاری با هم داشته باشد.

در بخش نخست (یعنی شهرهای متحد الأفق یا قریب الأفق)، علمای امامیه اتفاق نظر دارند که رؤیت هلال در برخی از این شهرها برای ثبوت آن در دیگر شهرها کافی است، زیرا عدم رؤیت آن در دیگر شهرها، قطعاً به خاطر مانعی چون کوهها یا جنگلها یا ابرها و یا امثال اینهاست.

اما در بخش دوم یعنی شهرهای مختلف الأفق، دو صورت دارد:

۱ - ثبوت هلال ماه در شهری، مستلزم ثبوت آن در شهر دیگر، از باب اولویت قطعی باشد همان طوری که ثبوت رؤیت هلال، در شهر شرقی، نسبت به شهر غربی چنین است، مانند شهرهای هند، نسبت به عراق، زیرا رؤیت هلال در هند بدون قبول رؤیت آن در عراق، ممکن نیست، با این که عراق، پیش از هند است و رؤیت هلال در هند، متفرع بر رؤیت آن در عراق است. بنابراین ثبوت رؤیت هلال در هند، مستلزم ثبوت آن در عراق، به طریق اولی است، پس بینه‌ای که برای رؤیت هلال در هند، قائم شود لازم‌اش خبر از رؤیت هلال در عراق است.

۲ - عکس صورت نخست که محل بحث است یعنی در صورتی که هلال ماه در شهرهای غربی مشاهده شود و ثابت شود آیا این ثبوت رؤیت هلال در شهرهای غربی برای ثبوت آن در شهرهای شرقی، مانند شهرهای شام، نسبت به عراق، کافی است یا نه؟

معروف و مشهور میان علماء، این است که کافی نیست، چون اتحاد افق را شرط و معتبر می‌دانند. ولی نظر جمعی از محققان، کفایت است یعنی ثبوت هلال ماه در ناحیه‌ای از زمین، برای همه نواحی و مناطق، کافی است.

از این محققان است علامه در *منتهی*، فیض کاشانی در *واقفی*، صاحب *حدائق*، محقق نراقی در *مستند الشیعه*، و سید ابوتراب خوانساری در *شرح نجات العباد*، و نیز صاحب *مستمک العروة*، و صاحب *جواهر*، گرایش به این نظریه دارند. در *مستند العروة*، آمده است:

« قول صحیح همین است، زیرا هیچ دلیلی برای قول به عدم تعمیم رؤیت هلال، و شرط اتحاد افق نمی‌بینیم جز قیاس حدوث و پدید آمدن هلال و خروج آن از مُحاق و تحت الشعاع آفتاب، به اوقات نماز، یعنی قیاس آن به طلوع و غروب آفتاب.»

هلال ماه مانند نصف روز و نصف شب، و طلوع و غروب آفتاب، بر حسب

اختلاف افق شهرها مختلف می‌شود، بنابر این رؤیت هلال، نیز مختلف می‌شود، از این رو شب چهارشنبه در چین، آخر ماه شعبان و در طَنْجَه (شهری در ساحل کشور مغرب)، اول ماه رمضان است، چون غروب آفتاب در چین، ده ساعت، پیش از غروب آن در طنجه است. پس همان گونه که طلوع و غروب آفتاب با اختلاف افق شهر، مختلف می‌شود - بلکه در برخی روایات تصریح شده که «اءئما علیک مشرقک و مغربک» (شیخ حرّ عاملی، ج ۳، ص ۱۴۵؛ همچنین رک مقدس اردبیلی، ج ۵، ص ۲۹۴؛ فیض کاشانی، ج ۱۱، ص ۱۲۰).

ولی قیاس حدوث و پدید آمدن هلال به طلوع و غروب آفتاب، (قیاس مع الفارق و) خیال باطلی است و دور از واقع، بلکه شاید خلاف آن در میان خبرگان بی‌اشکال است، هر چند همین قیاس، مستند نظر مشهور بر اعتبار لزوم اتحاد در افق است. پس هیچ گونه پیوند و ارتباطی میان طلوع و غروب آفتاب با حرکت ماه نیست، برای این که زمین به مقتضای کروی بودن، همواره نیمی از آن در برابر آفتاب است و نیم دیگر آن در برابر آفتاب نیست (مستند العروة، ج ۲، ص ۱۱۶ - ۱۱۷).

خاطر نشان می‌سازد که آیه‌الله خویی، نظریّه خود را مبنی بر تعمیم و کفایت رؤیت هلال در شهری برای ثبوت آن در دیگر شهرها، مقید به قید اشتراک در شب می‌کند و می‌گوید:

«آری این نظریّه نسبت به مناطق و نواحی ای درست است که با محلّ رؤیت هلال در شب بودن هر چند در بخش کمی از شب، مشترک باشند، به این که یک شب برای هر دو ناحیه مشترک باشد اگر چه برای یکی از آن دو، اول شب و برای دیگری آخر شب باشد که به‌طور طبیعی بر نیم کره زمین، منطبق است نه نیم دیگر آن که به هنگام غروب خورشید در نزد ما، هنگام طلوع خورشید در آنجا باشد که اکنون در آنجا روز است، پس حکم کردن به این که در آنجا اول ماه است معنادار از این رو با قرار گرفتن کره زمین در برابر آفتاب، نیمی از آن، مشرق و روشن و نیم دیگر آن

مغرب و تاریخ است». (مستند العروة، ج ۲، ص ۱۱۹) آیه الله خویی برای قول به تعمیم رؤیت هلال، به دلایل زیر استناد کرده است:

۱ - اطلاق روایات: اطلاق روایات بیّنه که درباره رؤیت هلال در یوم الشک ماه رمضان یا شوال وارد شده است که با اقامه بیّنه بر ثبوت رؤیت هلال ماه رمضان، مکلف باید روزه آن روز را قضا کند در صورتی که آن روز را روزه نگرفته باشد. مقتضای اطلاق این روایات، عدم فرق است میان نقطه‌ای که رؤیت هلال ماه در شهر صائم باشد یا در شهر دیگر خواه با شهر صائم متحد الأفق باشد یا مختلف الأفق .

۲- ردّ انصراف: ادعای انصراف اطلاق روایات به رؤیت مردم همان شهر، نادرست است به ویژه با تصریح در برخی از این روایات به این که دو شاهد وارد شهر می‌شوند و خارج می‌گردند. پس طبعاً با اطلاقی که دارد شامل شهادت حاصل از خارج شهر صائم (از شهرهای دیگر نیز) می‌شود.

۳ - روایات خاصّه: روایات خاصّی که درباره قضای روزه یوم الشک، وجود دارد مانند صحیحۀ هشام بن حکم، صحیحۀ عبدالرحمن بن ابی عبدالله، صحیحۀ اسحاق بن عمار و صحیحۀ ابی بصیر (مستند العروة، ج ۲، ص ۱۲۰؛ همچنین رک، شیخ طوسی، تهذیب، ج ۴، ص ۸-۱۵۷ و حر عاملی، ج ۷، ص ۱۹۲ و ۱۸۳ و ۲۱۱).

۳ - آیه الله میلانی و تعمیم رؤیت هلال

آیه الله میلانی، در ذیل عبارت *تحروة الوثقی* (ص ۳۷۰) مبنی بر علم به توافق أفق، نوشته است:

« یا پیشتر بودن افق شهر محلّ رؤیت هلال، و أظهر کفایت ثبوت آن در دیگر شهرهاست خواه با شهر محلّ رؤیت هلال، متحد الأفق باشند یا مختلف الأفق ولی ترک احتیاط، شایسته نیست» (حاشیه، ص ۱۷۴).

همچنین در ذیل عبارت «کان البلدان متقاربان»: دو شهر در افق، نزدیک به هم باشند، آمده است:

«یا افق شهر محل رؤیت، مقدم باشد، بلکه همان گونه که در مسأله پیش، گذشت، خواه شهرها متحد الأفق باشند یا قریب الأفق و یا مختلف الأفق، رؤیت هلال در شهری برای دیگر شهرها کافی است».

۴ - آیه الله سید عبدالاعلی سبزواری و قول به تعمیم رؤیت هلال

وی در شرح بر *عروة*، موسوم به *مُهتَدَب الاحکام* می نویسد:

«اطلاق لفظ «رؤیت هلال» در روایات، شامل هر دیدنی در هر شهری می شود، در هر جایی که با تحقیق و ثبوت رؤیت هلال، برای مردم، اطمینان حاصل شود». همچنین با استفاده از اطلاق روایات، در تعمیم رؤیت هلال ماه رمضان به تمامی شهرها، اعم از متحد الأفق و مختلف الأفق می نویسد: «والمנסاق منها أن شهر رمضان فی جمیع البلاد واحد من حیث الكمیة والعدد، واطلاقها یشمل اتحاد الأفق و الاختلاف فیه». در بیان شرط تعمیم رؤیت هلال به تمامی نواحی و لزوم اشتراک شهرهای مختلف الأفق، در عنوان شب، می گوید: «شب اوّل ماه، شب خروج ماه از مُحاق و تحت الشعاع آفتاب و بروز و ظهور ماه در افق است، در هر افقی از آفاق شهرها که باشد و این شب، شب اوّل ماه در تمامی نواحی و شهرهای دنیا است با دو شرط: ۱ - اتحاد و اشتراک این شهرها در عنوان شب، هر چند با چند ساعت اندک؛ ۲ - که همان مُفاد شرط اوّل است این که اختلاف افق به اندازه یک روز یا یک شب نباشد، تا روز و پیدار شدن ماه در افق همه شهرها، و خروج آن از تحت الشعاع آفتاب، نیز در همه شهرها صادق باشد».

در مقام ردّ قیاس پدیدار شدن ماه و خروج آن از مُحاق و تحت الشعاع آفتاب، به طلوع آفتاب می نویسد: «این قیاس مع الفارق است، زیرا اوّل ماه با خروج آن از تحت الشعاع آفتاب و پدیدار شدن آن در افق، گستره وسیع آن بر همه شهرها ملاحظه شود عنوان واحد شب، محقق و ثابت است، به خلاف ظهر و مغرب که در هر شهری با توجه به عرض و طول جغرافیایی آن، ملاحظه شوند، برای تمامی شهرها در یک

زمان، عنوان واحدی در میان نیست. (سبزواری، ج ۱۰، ص ۲۸۳ و ۲۸۵ و ۲۸۷ و ۲۸۸).

۵- آیه الله گلپایگانی و تعمیم رؤیت هلال

در حاشیه *عروة الوثقی* (ص ۳۷۰)، در ذیل عبارت «إلا إذا علم توافق أفقها وإن كانا متباعدين» آمده است:

«کافی بودن رؤیت هلال در شهری برای سایر شهرها به طور مطلق (خواه با شهر محلّ رؤیت، متحد الأفق باشند یا مختلف الأفق)، بعید نیست، ولی در شهرهایی که أفق آنها مقدّم بر شهر محلّ رؤیت هلال است احتیاط، ترک نشود».

۶- آیه الله شهید صدر و قول به تعمیم رؤیت هلال

در این که آیا حلول ماه قمری شرعی، امر نسبی است که أفق هر شهری با شهر دیگر، مختلف باشد مانند طلوع آفتاب که در مناطق و نواحی مختلف، فرق می کند، یا مطلق است که با ثبوت حلول ماه در شهری، در سایر شهرها نیز ثابت باشد. آیه الله شهید سید محمد باقر صدر، می نویسد:

«به نظر می رسد بر اساس آنچه از أدله شرعیّه می فهمیم، حلول ماه قمری شرعی مطلق است، بنابر این هرگاه هلال، در شهری دیده شود، در سایر شهرها، هم ثابت است» (*الفتاوی الواضحة*، ج ۱، ص ۶۲۸).

تعمیم رؤیت هلال در نگاه فقهای اهل سنت

در صورت ثبوت رؤیت هلال از راه معتبر شرعی، بیشتر فقهای اهل سنت، قائل به تعمیم آن از محلّ رؤیت هلال به دیگر شهرها می باشند خواه با محلّ رؤیت هلال هم أفق باشند یا نباشند.

در *الفقه علی المذاهب الاربعه* آمده است: «هرگاه هلال در یک ناحیه ای از نواحی، رؤیت شود بر سایر نواحی (نیز) روزه واجب است، از جهت ثبوت رؤیت هلال فرقی میان (ناحیه) دور و نزدیک نیست در صورتی که رؤیت هلال از راه معتبر شرعی

به مردم برسد. در نزد سه تن از پیشوایان فقهی، اختلاف افق رؤیت هلال، مطلقاً اعتبار ندارد، ولی شافعیان با این قول مخالفند. شافعیان گفته‌اند: هرگاه رؤیت هلال در ناحیه‌ای ثابت شود بر مردم هر ناحیه نزدیک و متحدالافق - اتحاد افق به این است که فاصله میان آن دو ناحیه کمتر از ۲۴ فرسخ باشد - با محل ثبوت رؤیت هلال، واجب است که روزه بگیرند. اما با این رؤیت هلال، بر مردم ناحیه دور به خاطر اختلاف افق، روزه واجب نیست». (جزیری، ج ۱، ص ۵۵۰).

در *الفقه الاسلامی و ادلته* آمده است: «جمهور اهل سنت بر خلاف شافعیان، قائل به تعمیم ثبوت رؤیت هلال هستند و اختلاف افق، اعتباری ندارد» (وهبة الزحیلی، ج ۳، ص ۱۶۵۸).

در اینجا دیدگاه برخی از پیروان مذاهب حنفی، مالکی، حنبلی و شافعی را یادآور می‌شویم:

ابن قدامه حنبلی می‌نویسد: «هرگاه اهالی شهری هلال را ببینند بر همه اهالی شهرها، روزه واجب است، این قول «لیث» و برخی از فقهای شافعی است. برخی از فقهای شافعی گفته‌اند: اگر میان دو شهر، مسافت و فاصله نزدیکی باشد که موجب اختلاف افق نشود مانند بغداد و بصره، با رؤیت هلال در یکی از این دو شهر، بر اهالی هر دو شهر، روزه واجب است و اگر میان آن دو شهر مسافت و فاصله دوری باشد مانند عراق، حجاز و شام، پس برای اهالی هر شهری رؤیت خودشان ملاک است. از عکرمه نقل شده که «لکل اهل بلد رؤیتهم»، و این قول قاسم، سالم و اسحاق است، به خاطر روایت کُریب (ج ۳، ص ۱۰۷).

در کتاب *راهنمای مذهب شافعی* نوشته است:

«هرگاه (هلال) در شهری دیده شود برای شهر دیگری که با آن شهر اختلاف مطلع نداشته باشد مؤثر بوده و حکم رؤیت پیدا می‌کند. فقها گفته‌اند: رؤیت در

بلادشرقی مستلزم رؤیت در بلاد غربی نیز هست ولی عکس آن لازم نمی‌آید، زیرا ورود شب از بلاد شرقی شروع می‌شود. حنفیها به اختلاف مطلع وقعی نمی‌گذارند و در هر شهری یا کشوری رؤیت ثابت شود برای شهرها و کشورهای دیگر نیز که رؤیت نکرده‌اند و اختلاف مطلع دارند موثر است» (شیخ الإسلام، ج ۱، ص ۷۰).

نَوَوِيّ شافعی، نیز ضمن تقویت دیدگاه شافعیان در عدم تعمیم رؤیت هلال، می‌گوید: برخی از فقهای ما گفته‌اند رؤیت هلال در مکانی، شامل همه مردم کره زمین می‌شود، و ابن عباس که به خبر «كُرَيْب» عمل نکرده است به خاطر این بود که وی شاهد واحدی بود و رؤیت هلال با شهادت یک نفر، ثابت نمی‌شود. (صحيح مسلم بشرح النَوَوِيّ، ج ۷، ص ۱۹۷).

جصاص از فقهای بزرگ حنفی می‌گوید: گفتار پیامبر (ص): «صُومُوا لِرُؤْيَتِهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤْيَتِهِ» همه آفاق را شامل است و اختصاص به شهر خاصی ندارد» (ج ۱، ص ۲۶۸).

ابن عابدین از فقهای نامدار حنفی می‌گوید: «لكنّ المعتمد الرَّاحِج عندنا أنّه لاعتبار باختلاف المطالع، وهو ظاهر الرواية، وعليه المتون كالكنز وغيره، وهو الصحيح عند الحنابلة كما في الانصاف، وكذا هو مذهب المالكية» (مجموعه رسائل، ج ۱، ص ۳۵۱).

قرافی از فقهای برجسته مالکی، می‌گوید: هرگاه ماه رمضان در شهری از شهرها ثابت شود بر مردم هر شهری که ثبوت ماه رمضان به آنان برسد، روزه واجب است. (الدّخيرة في فروع المالكية، ج ۲، ص ۳۱۱).

اهل سنّت برای قول به تعمیم ثبوت رؤیت هلال به دیگر شهرها - خواه با محلّ رؤیت هلال، متحد الأفق باشند یا مختلف الأفق - دلایلی را اقامه کرده‌اند (رک: ابن قدامة، ج ۳، ص ۱۰۷) از جمله:

۱ - آیه شریفه (فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ) (بقره/ ۱۸۵)؛ ۲ - قول پیامبر (ص) - که خداوند روزه ماه رمضان را واجب کرده است (بخاری، ج ۲، ص ۲۲۵، با اندکی تفاوت)؛ ۳ - اجماع مسلمانان بر وجوب روزه ماه رمضان و از طرفی با ثبوت رؤیت هلال، ثابت شده که این روز از ماه رمضان است؛ ۴ - اطلاق واژه رؤیت در حدیث «صُومُوا لِرُؤَيْتِهِ وَأَفْطَرُوا لِرُؤَيْتِهِ». ابن عابدین می‌نویسد: عموم خطاب در حدیث پیامبر (ص): «صُومُوا لِرُؤَيْتِهِ»، منوط به مطلق رؤیت هلال است به خلاف زوال و غروب از اوقات نماز که تعلق عموم وجوب نماز به مطلق این اوقات، ثابت نشده است و در صورت تعلق به مطلق این اوقات، مستلزم حرج بزرگی است (ج ۱، ص ۲۵۱).

از طرف دیگر شافعیان و قائلان به عدم تعمیم رؤیت هلال به سایر شهرها، برای اثبات قول خود، دلایلی را اقامه کرده‌اند (ابن قدامه، ج ۳، ص ۱۰۷، وَهْبَةُ الرَّحَيْلِيِّ، ج ۳، ص ۱۶۶۰). که مهمترین آن عبارت است از:

- ۱ - روایت کَرِيب که متن آن همراه با پاسخ آن، نگاشته شد.
- ۲ - قیاس حلول ماه به طلوع آفتاب (ابن عابدین، ج ۱، ص ۲۵۱؛ وَهْبَةُ الرَّحَيْلِيِّ، ج ۳، ص ۱۶۶۱). که قبلاً مورد بحث قرار گرفت.

نتیجه

با توجه به آنچه نگاشته شد نتایجی به شرح زیر به دست می‌آید:

الف - مقتضای اطلاق و عموم روایات مربوط به رؤیت هلال، تعمیم رؤیت آن از محل رؤیت به دیگر مناطق و نواحی است خواه با محل رؤیت هلال، متحدالافق باشند یا مختلف الأفق.

ب - ادعای انصراف این گونه روایات به شهرها و نقاط نزدیک به محلی رؤیت هلال و متحدالافق، با ظاهر این روایات و بلکه با تصریح برخی از این روایات، ناسازگار است و حتی صاحب ذخیره، در مقام پاسخ از ادله علامه، ظهور این روایات را در عموم می‌پذیرد و می‌نویسد: متیادر از این اخبار، رؤیت هلال در شهر و شهرهای هم

أفق است، هر چند ظهور لفظ «رؤیت» در عموم است.^۱

ج - لزوم همزمانی در شب - قول به تعمیم رؤیت هلال از نقطه محل رؤیت به دیگر نقاط جهان، مقید به قید اشتراک و همزمانی در عنوان شب است هر چند در زمان اندکی باشد.

د - دلایل مهمی که برای قول به عدم تعمیم رؤیت هلال، اقامه شد، عبارت است از:

۱ - روایت **کُرْب**، که پاسخ آن نگاشته شد.

۲ - قیاس حدوث و پدیدار شدن هلال و خروج آن از مُحَاق و تحت الشعاع آفتاب، به طلوع آفتاب که اولاً قیاس مع الفارق و ثانیاً موجب حرج بزرگی است.

ه - براساس قول به عدم تعمیم رؤیت هلال، و لزوم شرط وحدت افق یا نزدیک بودن افق شهرها - و این که ثبوت رؤیت هلال، تنها برای شهرهای نزدیک به شهر محل رویت، کافی و حجّت است و برای شهرهای دور، کافی و حجّت نیست - ضابطه و معیار معینی برای تشخیص نزدیکی و دوری شهرها وجود ندارد، از این رو شرط وحدت افق یا نزدیک بودن افق شهرها نه تنها موجب حلّ مشکل نمی‌شود بلکه موجب مشکلات دیگر و سردرگمی بیشتر می‌گردد.

و - بنا بر قول به عدم تعمیم رؤیت هلال، اشکالی پیش می‌آید که در برخی از صورتها شخص مکلف باید ۳۱ روز، روزه بگیرد و در برخی صور، ۲۸ روز، افطار کند، اما بنا بر قول به تعمیم و عدم اعتبار وحدت افق، همان گونه که از صاحب جواهر نقل شده، این اشکال از اساس، ساقط می‌شود.

شواهد و تأییداتی بر قول به تعمیم

برای قول به تعمیم رؤیت هلال، تأییداتی نیز ذکر شده که برخی از آنها را

۱- بنگرید: ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، ص ۵۳۳، سطر ۱۴: «وامّا الإستناد بالأخبار، فالأنّ المتبادر ممّا علّق الوجوب بالرؤية فيها الرؤية في البلد، أو ما في حكمه، وإن كان ظاهر اللفظ العموم».

یادآور می‌شود:

۱ - روز عید فطر و قربان، یکی است؛ در دعای قنوت نماز عید فطر و قربان آمده است:

«أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً» (شیخ صدوق، ج ۱، ص ۵۲۳؛ خُرّ عاملی، ج ۵، ص ۱۳۱؛ ج ۵، ص ۱۳۱).

از دعای مزبور با توجه به کلمه «هذا» که اسم اشاره است به روشنی فهمیده می‌شود روز عید فطر و قربان، روز واحد مشخصی است و برای همه مسلمانان نقاط مختلف جهان، عید است نه این که برای برخی عید باشد و برای برخی دیگر نباشد (خویی، مستند، ج ۲، ص ۱۲۲؛ منهاج، ج ۱، ص ۲۷۷).

۲ - شب قدر یکی است: از ظاهر آیه شریفه مربوط به شب قدر «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (قدر / ۳) و «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (دخان / ۴) استفاده می‌شود که شب قدر شب معینی است با احکام ویژه برای همه مردم و جهانیان، نه این که برای هر ناحیه و مکانی، شب قدر خاصی مغایر با شب قدر دیگر نواحی باشد (خویی، مستند، ج ۲، ص ۱۲۲؛ سبزواری، ج ۱۰، ص ۲۸۹).

۳ - فقره‌ای از دعای سمات: یکی از شواهدی که برای تأیید و تقویت قول به تعمیم رؤیت هلال، گفته می‌شود، جمله‌ای از دعای سمات در خطاب به خداوند است: «وَجَعَلْتَ رُؤْيَيْهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرَّةً وَاحِدَةً» (مجلسی، ج ۹۰، ص ۹۸). صاحب **جواهر** می‌گوید: (ج ۱۶، ص ۳۶۱) «چه بسا فرموده امام (ع) در دعای سمات، اشاره به قول به تعمیم رؤیت هلال باشد که در خطاب به خداوند می‌گوید: «وَجَعَلْتَ...».

ناگفته نماند که مراد از یکسانی رؤیت ماه برای همه مردم این نیست که همه مردم دنیا در یک لحظه، ماه را می‌بینند بلکه مراد، حکم به رؤیت هلال ماه است همان‌گونه که در **مهدب الاحکام** پس از استشهاد به جمله مزبور می‌نویسد: «ای:

من حیث الحکم بآنه اءذا رآه اهلٌ بلدٍ، وجب الصّوم علی الجمیع» (سبزواری، ج ۱۰، ص ۲۸۹).

۴ - تأکید بر حفظ وحدت اسلامی: یکی از آثار تعمیم رؤیت هلال، اتحاد جامعه اسلامی در تعظیم شعائر دینی و رفع اختلاف در میان مسلمانان است. در **مهذب الأحکام** برای تأیید و تأکید بر قول به تعمیم رؤیت هلال می‌نویسد:

عدم اعتبار ثبوت رؤیت هلال برای سایر نواحی، موجب اختلاف و پراکندگی در میان مسلمانان است در حالی که شارع، راضی به این نیست و امامان دین (ع) راضی به تفرقه میان مسلمانان نیستند و به خاطر همین، اهتمام فراوانی به موضوع «تقیّه» داشته‌اند، پس چطور راضی به تفرقه در میان پیروان خود در روز عید می‌شوند، آنهم عیدی که مهمترین شعائر دینی و مذهبی است و در شب قدر آن هم شبی که مهمترین مجمع عبادی برای خوبان و بدان است.

علامه حلی یکی از علل استحباب استهلال مسلمانان در شب آخر ماه شعبان و رمضان را پیشگیری از اختلاف، می‌داند و می‌گوید: «وئُستحبّ التّرائی للهِلال لیلة الثّلاثین من شعبان و رمضان و تطلّبه لیحتاطوا بذلک لصیامهم، ویسلموا من الاختلاف» (**منتهی المطلب**، ج ۹، ص ۲۳۹).

در **الفقه الإسلامی و أدلته** نیز قول به تعمیم رؤیت هلال را موجب وحدت مسلمانان و پیشگیری از تفرقه و اختلاف در میان آنان می‌داند و نوشته است: «وهذا الرأی (رأی الجمهور) هو الرّاجح لدى توحیداً للعبادة بین المسلمین، ومنعاً من الاختلاف غیر المقبول فی عصرنا، ولأنّ إيجاب الصّوم معلق بالرؤیة، دون تفرقة بین الافطار» (**وهبة الرّحیلى**، ج ۳، ص ۱۶۶۲).

منابع

ابن حَجَر عَسْقَلَانِی، احمد بن علی (۷۷۳ - ۸۵۲ هـ.ق)، **فتح الباری بشرح البخاری**، چاپ مصر، ۱۳۷۸ ق.

- ابن رُشد، قُرطبی، ابوالولید محمد بن احمد (۵۲۰ - ۵۹۵ ه. ق.)، *بداية المجتهد ونهاية المقتصد*، ۱۳۸۶ ه. ق.
- ابن عابدين، محمد امين بن عمر (۱۱۹۸ - ۱۲۵۲ ه. ق.)، *مجموعه رسائل*، بيروت، بی تا.
- ابن قدامه، ابو محمد عبدالله بن احمد (۵۴۱ - ۶۲۰ ه. ق.)، *المُغْنَى*، تحقيق طه محمد الزينى، القاهرة، ۱۳۸۸ ق.
- ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم (د. ۹۷۰ ق.)، *البحر الرائق شرح كنز الدقائق*، قاهره، دارالكتب العربية الكبرى، بی تا.
- بُخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل (د. ۲۵۶ ق.)، *صحيح البخارى*، دارالفكر، ۱۴۰۱ ق.
- خويى، سيد ابوالقاسم، *مستند العروة الوثقى*، گردآورنده تقريرات: مرتضى بروجردى، بی جا، بی تا.
- الجزيرى، عبدالرحمن، *الفقه على المذاهب الاربعه*، بيروت، داراحياء التراث العربى، ۱۴۰۶ ق.
- جصاص، ابوبكر احمد بن على رازى، (د. ۳۷۰ ق.)، *أحكام القرآن*، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ ق.
- حكيم، سيدمحسن طباطبايى، *مُستمسك العروة الوثقى*، بيروت، داراحياء التراث العربى، ۱۳۹۰ ق.
- _____، *منهاج الصالحين*، تهران، مكتبة لطفى، ۱۲۹۴ ق./ ۱۳۵۳ ش.
- درديرى، سيداحمد، *بُلغة السالك لأقرب المسالك لمذهب المالک*، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ ق.
- سبزواری، سيدعبدالأعلى موسى، *مُهَدَّب الأحكام فى بيان الحلال والحرام*، نجف اشرف، ۱۳۹۹ ق.

شماره ۷۳	مطالعات اسلامی	۱۹۸
	شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی عاملی (۷۳۴ - ۷۸۶ ق)، <i>الدُّرُوسُ الشَّرْعِيَّةُ</i> ، ضمیمه سلسله الینایع الفقہیَّة، به کوشش علی اصغر مروارید، بیروت، موسسه فقه الشَّیْعة، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۳ ق.	
	شهید صدر، محمد باقر، <i>الفتاوی الواضحة</i> ، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۱ ق. شیخ الإسلام، سید محمد، <i>راهنمای مذهب شافعی</i> ، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش. شیخ خُرّ عاملی، محمد بن حسن خُرّ عاملی، (د ۱۱۰۴ ق.)، <i>وسائل الشیعة</i> ، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتبه الاسلامیة، ۱۳۸۶ ق.	
	شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قُمی، (د ۳۸۱ ق.)، <i>مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه</i> ، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفّاری، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم، ۱۴۰۴ ق.	
	شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی، (د ۴۶۰ ق.)، <i>المبسوط فی فقه الإمامیة</i> ، تصحیح و تعلیق محمد باقر بهودی، المکتبه الرضویة، ۱۳۵۱ ش. _____، <i>تهذیب الأحکام فی شرح المُقنعة</i> ، به کوشش علی آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ ش .	
	صاحب جواهر، محمد حسن نجفی، (د ۱۲۶۶ ق.)، <i>جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام</i> ، بیروت، دارإحیاء التّراث العربی، ۱۹۸۱ م.	
	صاحب حدائق، یوسف بن احمد بحرانی، (د ۱۱۸۶ ق) <i>الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة</i> ، تحقیق محمد تقی ایروانی، موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم، ۱۴۱۴ ق.	
	صاحب عروه، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، (د ۱۳۳۷ ق.) <i>العروة الوثقی</i> ، تهران، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۹۲ ق.	

- صاحب مدارک، سید محمد بن علی موسوی عاملی، (د. ۱۰۰۹ق.)، *مدارک الأحكام فی شرح شرائع الإسلام*، مشهد، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۰ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مُطهر، (۶۴۸ - ۷۲۶ق.)، *تذکرة الفقهاء*، قم، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۵ق.
- _____، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۲۴ق.
- _____، *تحریر الأحكام*، مؤسسه آل البيت (ع) للطباعة والنشر، بی جا، بی تا.
- علامه مجلسی، محمد باقر مجلسی، (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ق.)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- فیض کاشانی، محمد مُحسن، (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ق.)، *الوافی*، منشورات مکتبه الإمام امیرالمومنین (ع) العامة، ۱۳۶۸ق.
- قرافی، شهاب الدین ابوالعباس (د. ۶۸۴ق.)، *الذخیره فی فروع المالکیة*، تحقیق ابواسحاق احمد عبدالرحمن، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- محقق سبزواری، ملا محمد باقر (د. ۱۰۰۹ق.)، *ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد*، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، بی تا.
- مُسلم، ابوالحسین مُسلم بن حجاج (۲۰۶-۲۶۱ق.)، *صحیح مُسلم بشرح النَّوَوِيّ*، حافظ یحیی بن شرف النَّوَوِيّ (۶۳۱ - ۶۷۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۴۷ق.
- مُغنیه، محمد جواد، *الفرقه علی المذاهب الخمسة*، بی جا، ۱۴۰۲ق.
- مقدّس اردبیلی، احمد بن محمد (د. ۹۹۳ق.)، *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ق/ ۱۳۶۳ش.

نراقی، احمد بن محمد مهدی (د ۱۲۴۵ هـ.ق) *مُسْتَنْدُ الشَّيْبَعَةِ فِي أَحْكَامِ الشَّرِيعَةِ*، مشهد، تحقیق و نشر مؤسسه آل‌البیته (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۷ ق.
نَوَوِيّ، حافظ يحيى بن شرف نَوَوِيّ، *المجموع شرح المهذب*، بی‌جا، بی‌تا.
وَهْبِيَّةُ الزُّحَيْلِيّ، *الفقه الإسلامي وأدلته*، دمشق، دارالفكر، ۱۴۲۲ ق.